روزنامه شرق

یکشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۴
۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۶
۱ ژوئن ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۲۴
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

سیدعلی سقائیان در گفت‌وگو با «شرق»
ادعاهای اردوغان را درباره کریدور زنگزور واکاوی کرد

ایران به پای خود شلیک نمی‌کند

۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: سؤال از عراقچی در میانه حساس‌ترین مقطع مذاکراتی کلید خورد؛ رادیکال‌ها در کمین وزارت خارجه • گفت‌وگو با محمد بقایی‌ماکان به مناسبت انتشار کتاب «سعدی، چنان که هست»

نگاهی به روایت رسانه‌های غربی از گزارش جامع آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تهدید دیپلماسی هسته‌ای ایران

ابزاری سیاسی به نام آژانس

مهدی بازرگان: در آستانه نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از ۱۹ خرداد ۱۴۰۴ (۹ ژوئن ۲۰۲۵) برگزار می‌شود، انتشار گزارش محرمانه این نهاد درباره برنامه هسته‌ای ایران که توسط خبرگزاری‌های فرانسه، رویترز و لارنس نورمن، خبرنگار وال‌استریت ژورنال، پوشش داده شده، بار دیگر تهران را در کانون توجهات جهانی قرار داده است. این گزارش، با تمرکز بر افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌شده تا ۶۰ درصد و اتهامات مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای اعلام‌نشده در سه سایت، فشارهای سیاسی علیه ایران را شدت بخشیده است. در حالی که ایران بر صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای خود تأکید دارد و تحت نظارت گسترده آژانس فعالیت می‌کند، تحرکات غرب برای محکومیت ایران در شورای حکام و تهدید به قطع‌نامه‌های جدید، مذاکرات حساس تهران و واشنگتن را در معرض خطر قرار داده است. با توجه به جزئیات گزارش آژانس و واکنش‌ها به نظر می‌رسد این فشارها بخشی از تلاش هماهنگ غرب برای تضعیف دیپلماسی و حفظ سیاست فشار حداکثری است.

گزارش محرمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که به نقل از خبرگزاری فرانسه منتشر شده، مدعی است ایران تولید اورانیوم غنی‌شده تا سطح ۶۰ درصد را تسریع و تا ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ (۱۷ می ۲۰۲۵)، ۴۰۸.۶ کیلوگرم از این ماده را ذخیره کرده است. این میزان، افزایش ۱۳۳.۸ کیلوگرمی نسبت به گزارش فوریه ۲۰۲۵ (۲۷۴.۸ کیلوگرم) را نشان می‌دهد. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، این اقدام را «بسیار نگران‌کننده» خوانده و ایران را «تنها کشور غیرهسته‌ای» با چنین سطح غنی‌سازی معرفی کرده است.

گفت‌وگوتیتر یک را در صفحه ۲ بخوانید

گفت‌وگوی احمد غلامی با حسین مرعشی

ایران نیاز به تغییر راهبرد دارد

این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید. عکس: سهند تاکی، شرق

سمیه چراغی، سرمربی تیم ملی ژیمناستیک زنان ایران در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد:

حضوری فراتر از انتظار پس از نیم‌قرن

صفحه ۹

سرمقاله

مسئله حمل‌ونقل، اعتصاب و معماری نظام سیاست‌گذاری

کیومرث اشتریان

مسئله حمل‌ونقل و اعتصاب در ایران چیست؟ آیا پایین‌بودن نرخ کرایه‌ها است؟ آیا گرانی لوازم یدکی و لاستیک یا افزایش هزینه‌های بیمه و سوخت است یا ساختار «راننده-مالکیتی»؟ آیا مشکل از شرکت‌های حمل‌ونقل و دلالان است یا نبود توازن حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی؟ تا نتوانیم مسئله اصلی را شناسایی کنیم، گرفتاری حل نمی‌شود. آنچه در این مقاله تأکید می‌شود، «ساختار اداره توده‌ای» حوزه حمل‌ونقل است. گاهی مشکل به «نحوه مواجهه با مشکل» بازمی‌گردد و نه آنچه در اعتصاب نمودار می‌شود.

در شماری از کشورها امور حمل‌ونقل به شرکت‌های بزرگ (حداکثر تا ۱۰ شرکت) سپرده می‌شود. رابطه مالکیتی راننده با کامیون قطع شده و بارِ پیداکردن بار از دوش او برداشته می‌شود و به‌این‌صورت دست واسطه‌ها کوتاه می‌شود. اما در ایران، بار منفعت به جیب واسطه می‌رود و بار گرانِ غم بر دل راننده‌ای که «بارکشیده» جفاست، تحمیل می‌شود. ازاین‌رو همواره در انتظار است تا با فریاد اعتصاب، بگسلد این رشته ز هم. ناقه‌اش به زیر محمل نمی‌رود و جنگ اعصاب و اعتصاب برمی‌آورد.

در سال ۱۴۰۴، تعداد کامیون‌های فعال در ایران حدود ۴۰۰ هزار تا ۶۰۰ هزار دستگاه، شمار رانندگان کامیون حدود ۹۰۰ هزار نفر و ظرفیت حمل بار سالانه در ایران چند برابر بیشتر از بار موجود برآورد شده است. حدود ۸۰ درصد کامیون‌ها در مالکیت شخصی است؛ برخلاف ترکیه، برزیل و کره جنوبی که این نسبت‌ها تقریبا برعکس است و در آنها شرکت‌های بزرگ درگیر انتظام بار، مالیات، بیمه، هزینه‌های سوخت و... هستند؛ راننده یا صاحب کامیون درگیر نیست. همین آمار نشان‌دهنده بی‌نظمی ساختاری این حوزه است که مشکلات دیگر را سبب می‌شود. به بیان دیگر، «اداره توده‌ای» در حکمرانی حمل‌ونقل یکی از معضلات اساسی است؛ یعنی فقدان تشکیلات اقتصادی بزرگ و ضعف در معماری کلان سیاست‌گذاری. اداره توده‌ای حمل‌ونقل عمومی سبب شده است تا انبوهی از رانندگان که رابطه مالکیتی با کامیون دارند، گرفتار پیداکردن بار در پایانه‌ها شوند و عملا بخش مهمی از سود و دسترنج آنان نصیب شبکه دلالی و واسطه‌گری شود. آنان درعین‌حال درگیر تبانی نانوشته و سودجویی افسارگسیخته تولیدکنندگان خودروهای سنگین و بانک‌ها هستند.

همین مسئله اساسی، یعنی «اداره توده‌ای»، در حوزه‌های دیگری مانند سیاست، مسکن، آموزش عمومی، بهداشت و... نیز در ایران وجود دارد. ازاین‌رو می‌توان گفت که اداره توده‌ای سیستم سیاسی یعنی فقدان تشکل‌های بزرگ سیاسی در قالب احزاب جدی سیاسی، اداره توده‌ای سیستم آموزشی یعنی فقدان نهادهای مدنی بزرگ آموزشی برای اجرای سیاست‌های آموزشی، اداره توده‌ای ساخت‌وساز مسکن یعنی ورود انبوهی از توده مردم به ساخت‌وساز و ناتوانی در اعمال کنترل و نظارت حاکمیتی بر استانداردهای ساخت‌وساز و در نتیجه رشد افسارگسیخته بهای مسکن و افزایش ناکارآمدی‌ها.

اداره توده‌ای و تشکل‌زدایی از جامعه، چه تشکل‌زدایی سیاسی-مدنی باشد، چه تشکل‌زدایی سرمایه‌ای و چه تشکل‌زدایی اداری، یک راهکار ضد امنیتی است. درک ما از جامعه و اداره امور عمومی و اینکه آیا جامعه، توده‌ای از انبوه انفرادی مردمان است یا اینکه مجموعه‌ای از تشکل‌های گوناگون، اهمیت بسیاری در نحوه اداره جامعه و حل تنش‌های آن دارد. زندگی اجتماعی به تشکیلات اجتماعی است، زندگی سیاسی به تشکیلات سیاسی است و اداره امور عمومی به تشکیلات عمومی. نمی‌توان جامعه و حکمرانی آن را بدون چنین تشکیلاتی به‌خوبی اداره کرد. نادیده‌انگاشتن ضرورت وجود تشکل‌های گوناگون برای اداره کشور مصائب بسیار پدید آورده است. آن‌گاه که در سطح ساختار اجرائی، سازمان نیافته باشید، در سطح کارگزاری دچار آشوب می‌شوید. آن‌گاه که در سطح ساختار سیاسی سازمان نیافته باشید، مردمان به آشوب سیاسی و جنبش مدنی می‌گرایند. آن‌گاه که در ساختار حمل‌ونقل سازمان نیافته باشید، راننده و کامیون‌دار را اسیر بی‌عدالتی می‌کنید. آن‌گاه که با تحلیل‌های غلطِ سیاسی همه تلاش خود را به کار بگیرید که از جامعه تشکل‌زدایی کنید، یعنی جامعه را از روح اجتماعی آن تخلیه می‌کنید. به‌این‌صورت ضرباتی از درون تاریکی آشفتگی اجتماعی به شما می‌خورد که نمی‌فهمید از کجا خورده‌اید.

راه‌حل این است که به نظم تشکیلاتی اجتماعی بازگردیم که برای ثبات نظام سیاسی و انتظام اجتماعی ضروری است.

ادامه در صفحه ۴

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از مؤسساتی که برای مهاجرت، مدرک آزمون زبان انگلیسی را از ۵ تا ۳۲۰ میلیون تومان می‌فروشند

آیلتس‌فروشی

۱۰

در حالی که ۲۲ درصد تولید ناخالص داخلی جهان در معرض تنش آبی است این شاخص برای ایران به ۹۰ درصد می‌رسد

زنگ خطر آب برای اقتصاد کشور

۴

رقابت تنگاتنگ در لهستان زیر سایه حمایت ترامپ از ناوروتسکی

نبرد پوپولیسم و لیبرالیسم

۵

گزارش «شرق» از اعتراض کارکنان سازمان منابع طبیعی کشور به درآمدهای نجومی مدیران

حقوق‌های ۱۹۸ تا ۲۸۶ میلیونی

۸

جنگ قدرت صداوسیما با عدم رعایت قانون؟

دلایل یک توقیف

۱۲

نگاه

سرای سالمندی رویارویی با روزگار تنهایی

یادداشتی از گیتی صفرزاده

۱۲

یادداشت

بانکداری ایرانی و گرداب «آینده»

ناصر ذاکری
کارشناس اقتصادی

این روزها انحلال بانک آینده به دلیل داشتن حجم عظیم زیان انباشته به بحثی داغ تبدیل شده است. برخی کارشناسان می‌گویند تنها راه‌حل انحلال است و برخی نیز روش دیگری پیشنهاد می‌کنند. گفته می‌شود تصمیم نهایی در جلسه سران سه قوه گرفته خواهد شد. در این زمینه نکات زیر شایان تأمل هستند:

۱- هریک از دو روش انحلال یا اصلاح بنیادی، هزینه‌ها و عوایدی به همراه دارد، و طبعا باید تصمیم‌گیرندگان با بررسی تمام جهات و جوانب پرونده، انتخاب نهایی را انجام بدهند. ازاین‌رو باید جروبحث‌های کارشناسی و تصمیم‌گیری دور از برخوردهای احساسی و شتاب‌زده را به فال نیک گرفت. زیرا بسیار مشاهده می‌کنیم که متولیان امر تصمیمی گرفته و خسارتی دیگر بر خسارات وارده اضافه می‌کنند و بعدها معلوم می‌شود که این تصمیم پشتوانه مطالعات کارشناسی نداشته است.

۲- هرچند پرسش از مزایا و معایب دو روش پرسشی بسیار درست و بجا است، اما نباید همانند بسیاری از پرونده‌های گذشته، موجب غفلت از پرسشی بسیار مهم‌تر شود، و آن اینکه چرا چنین اتفاقی افتاده و عاملان این اتفاق شوم چه کسانی هستند؟ شرایطی را تصور کنید که یک یا چند نفر با رفتار پرخطر در حوزه رانندگی، تصادف زنجیره‌ای را در یک بزرگراه مهم کشور رقم زده، و خسارت جانی و مالی بزرگی به جامعه تحمیل می‌کنند. حال متولیان امر دغدغه‌شان این است که هرچه زودتر مصدومان را به بیمارستان انتقال بدهند و با جابه‌جایی خودروهای واژگون‌شده، راه را باز کنند که جریان رفت‌وآمد خودروها متوقف نشود. اما کسی پیگیر این پرسش مهم نمی‌شود که اساسا چرا این اتفاق افتاد و چه تضمینی هست که چند روز دیگر در بزرگراه دیگری تکرار نشود؟

۳- زیان‌دهی و درنهایت ورشکستگی یک بنگاه اقتصادی امری نیست که یکباره و بدون اخطار قبلی و دور از نگاه تیزبین بازرسان و نهادهای ناظر اتفاق بیفتد. در اواسط سال ۱۴۰۲ هر دقیقه بیش از ۱۳۰ میلیون تومان به زیان انباشته بانک آینده اضافه می‌شده و این رقم اینک با همت مسئولان ذی‌ربط به بیش از ۲۵۰ میلیون تومان رسیده است! به‌راستی چرا در رسیدگی به وضعیت این بیمار و جلوگیری از افزایش حجم خسارت تا این حد کوتاهی شده است؟

۴- آیا خسارت هنگفتی که با این ورشکستگی تاریخی ایجاد شده، به سپرده‌گذاران یا سهامداران تحمیل خواهد شد یا مسببان واقعی که منافع گزافی نصیب‌شان شده نیز سهمی از این خسارت خواهند داشت؟ گفتنی است که در پرونده مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز در زمستان ۱۳۹۶ خسارتی به سپرده‌گذاران تحمیل شد که در نهایت از جیب عموم مردم پرداخت شد و مسببان اصلی ماجرا که سود هنگفتی کسب کرده بودند، در حاشیه امن قرار گرفتند. حال سؤال این است که این‌بار هم مسببان در امان خواهند بود و مردم زیان خواهند کرد؟

۵- خسارت این پرونده فقط زیان انباشته‌ای نیست که به سپرده‌گذاران تحمیل خواهد شد. ابعاد تخلف در حدی بوده که به‌جرئت می‌توان ادعا کرد در تشدید جریان تورمی و تخریب بنیان اقتصاد ملی هم نقش داشته است. ازاین‌رو عموم شهروندان را که با تشدید تورم گرفتار دشواری‌های معیشتی شده‌اند، باید جزء مال‌باختگان این پرونده بزرگ ملی بدانیم. این خسارت که با رفتار سودجویانه برخی کلان‌سرمایه‌داران ایجاد شده، چگونه جبران خواهد شد؟ آیا برنده‌های این بازی نکبت‌بار و فقرگستر همچنان در حاشیه امن نشسته و با تماشای تقلای مردم مستأصل زیر فشار تورمی که آنان تشدیدش کرده‌اند، سرگرم خواهند شد یا این بار کسی به کفش آنان کفشک خواهد گفت؟

۶- در یک اقتصاد سالم ورشکستگی بانک‌ها حاصل پدیده سونامی ورشکستگی شرکت‌ها است. با بروز رکود ابتدا بنگاه‌های کوچک که معمولا بنیه مالی قوی ندارند، در معرض ورشکستگی قرار می‌گیرند. این اتفاق در مرحله بعد زیانی را به بنگاه‌های بزرگ طرف معامله تحمیل می‌کند، اگر ابعاد بحران بزرگ باشد، بنگاه‌های بزرگ هم یکی پس از دیگری در معرض خطر زیان‌دهی و سپس ورشکستگی قرار خواهند گرفت. حال اگر موج سونامی ورشکستگی به اندازه کافی بزرگ و قدرتمند باشد، در مرحله سوم نوبت به بانک‌ها خواهد رسید. به بیان دیگر بنگاه‌های کوچک و بزرگ به ترتیب خاکریز اول و دوم محسوب می‌شوند.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

یادی از تاریخ تاریک و خونین غزه

کیکاوس پورایوبی

تراژدی که امروز در غزه در حال رخ‌دادن است، بر کسی از جهانیان پنهان نیست. گرسنگی، تشنگی، کمبود امکانات بهداشتی، فقدان پزشک و دارو و درمان، سوءتغذیه و هزاران مصائب دیگر؛ این گوشه‌ای از مصیبت ویرانگر آنجاست؛ نسل‌کشی، کودک‌کشی، مریضی و بی‌پناه‌کشی، جابه‌جایی و سرگردانی کاروان‌های خسته زندگی و تلی از آوار و بازگشت زندگی به دوران نخستین، انفجارهای مهیب و ترسناکی که زندگی را شبیه کابوس و بختک کرده است، صداهای خوفناکی که تا چندین نسل در ضمیر پنهان کودکان باقی خواهد ماند، آتش‌زدن ساختمان‌ها، اردوگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مدرسه‌ها و مخروبه‌های به‌جامانده از بمباران‌های وحشیانه. اکنون گرفتن جان آدم‌ها پروژه‌ای ممتاز شده که هرکس بیشتر بکُشد جایزه‌ای بهتری دریافت می‌کند. این کشتار تا چه زمانی ادامه دارد؟ پاسخ مشخص است، هیچ عربی در سرزمین اصلی خود یعنی غزه نباید باقی بماند! این نسل و نژاد را باید نابود کرد تا به‌زیستی برای غاصبان زمین فراهم شود، در قرن بیست‌ویکم به‌راحتی لیبرالیسم مرده و تابوتش در حال دفن‌شدن است. بسیار دوست داشتم بدانم در حال حاضر اگر پرچم‌داران آزادی‌خواهی همانند هانا آرنت، کارل پوپر، آیزایا برلین زنده بودند چه پاسخی به تاریخ می‌دادند؟ آیا مانند پیروان مکتب فرانکفورت با محافظه‌کاری و ماست‌مالی سعی می‌کردند با این پدیده زشت مواجه شوند یا با گفتمانی صریح تمام سوژه‌های تبلیغاتی صهیونیستی را به باد انتقاد می‌گرفتند؟ متأسفانه دموکراسی ابزاری شده برای سفسطه‌بازان که با وارونه جلوه‌دادن آن شرافت و کرامت انسان‌ها را بشکنند. زمانی که رهبران بزرگ و پرمدعای جهان مانند صدراعظم آلمان، نخست‌وزیر انگلیس، رئیس‌جمهور فرانسه و... به‌راحتی از کنار تراژدی غزه می‌گذرند و فقط به این اندازه بسنده می‌کنند که اوضاع در غزه بسیار بحرانی است، آدم را یاد مدارا با فریب‌های هیتلر و موسولینی و... می‌اندازد. زمانی که هیتلر مرز به مرز و دیوار به دیوار در پی درنوردیدن اروپا بود، هنوز قهرمان محسوب می‌شد، پس از آنکه میلیون‌ها انسان را تار و مار کرد تازه به نیت پلید او پی بردند و در مقابل او ایستادند و او را به زانو درآوردند. مگر هیتلر چه کار کرده بود؟ آیا رفتار او با جهان و یهودیان قابل دفاع است؟ همان جایی که تاریخ آن را زشت می‌پندارد، وقایع هولوکاست (همه‌سوزی) کشتار دسته‌جمعی چندین میلیون یهودی در اردوگاه‌های آشوویتس، بیرکناو و... انسان‌هایی که از تبار، نسل و زبان دیگر بودند، این نسل‌سوزی وحشیانه قابل توجیه است؟ قطعا هر انسان آزاده‌ای آن را فاجعه تاریخ می‌داند، اما سؤال اینجاست که در برابر جنایات بنیامین نتانیاهو می‌توان سکوت کرد؟ این جنایت، نسل‌کشی نیست؟ چه پاسخی می‌توان به حافظه تاریخ داد؟ جز خجالت و شرم و حیا که بر پرتره تاریخ باقی می‌ماند تا به شکلی زشت کتابی در تاریخ نوشته شود تا آیندگان با چشم‌هایی خون‌آلود آن را مطالعه کنند؟ آن رفتار غیرانسانی دیروز، هولوکاست امروز در غزه را توجیه می‌کند! یا تقاص و بازپس‌گیری گذشته از نسل دیگری است؟ استالین نیز جامعه شوروی را از سیستم روستایی به توسعه صنعتی با رشد بالایی رساند، هیتلر را شکست داد، بمب اتم ساخت و در کنار آن دنیای وسیعی از شرق اروپا را گروگان گرفت و هر جنبش آزادی‌خواهی و وطن‌دوستی را سرکوب کرد، شهروندان خود را در گولاگ (اردوگاه‌های کار و اصلاح) به سلاخی کشاند، اکنون تاریخ در حال تکرار است در گوشه‌ای کوچک از جهان، می‌توان بی‌تفاوت ماند؟ از آمریکا و ترامپ نمی‌توان انتظار داشت، چون قطعا در این جرم و جنایت شریک هستند و این بمب‌ها و موشک‌ها هدیه ترامپ است به نتانیاهو برای کشتن انسان‌های بی‌پناه غزه، جایی که در حمایت از رنج انسان‌ها در فلسطین دانشگاه هاروارد تنبیه می‌شود و قلم و زبان دانشجویان آزادی‌خواه بسته می‌شود، نباید انتظار داشت ایالات متحده از کار صهیونیست‌ها شرمسار شود، اما چرا جهان آزاد و آزادی‌خواهان بزرگ نسبت به قضایا بی‌تفاوت یا کم‌توجه‌اند؟ بشخصه اصلا اعتقاد به تعصبات قومی و قبیله‌ای و... ندارم اما انسانیت که سرکوب می‌شود و جنگ و خون‌ریزی جای صلح و مدارا را می‌گیرد، فرقی ندارد این رنج و محنت انسانی در اوکراین باشد یا در فلسطین یا هر نقطه از کره خاکی، جنایت، جنایت است.

یادداشت

توازن جدید در قدرت‌های هوایی

اردوان امیراصلانی

درگیری هوایی که در هفتم ماه می گذشته میان جنگنده‌های هندی و پاکستانی بر فراز کشمیر روی داد، فقط می‌توانست یکی دیگر از صحنه‌های یک منازعه ۷۵ساله باشد. اما ساقط‌شدن یک جنگنده رافال فرانسوی به وسیله یک جت جنگی چینی J-10C، این حادثه را به یک تلاطم استراتژیک تبدیل کرد. برای نخستین بار در نزدیک به یک قرن، یک هواپیمای پیشرفته غربی در نبرد واقعی به وسیله رقیبی آسیایی از میدان خارج شد. این رخداد نمادین نشانه ظهور جهانی چندقطبی در صنعت دفاعی و به چالش کشیده‌شدن برتری فناوری نظامی غربی‌هاست که سال‌ها امری مسلم تلقی می‌شد. افسانه شکست‌ناپذیری جنگنده‌های اروپایی زیر سؤال می‌رود. جنگنده رافال، افتخار شرکت هواپیماسازی فرانسوی داسو، نماد برتری هوافضای اروپا محسوب می‌شود. این هواپیما که به سامانه‌های هوانوردی پیشرفته و توانایی‌های چندمنظوره مجهز است، ازجمله ترسناک‌ترین جنگنده‌های دنیا به شمار می‌آید. اما آسیب‌پذیری آشکار آن در برابر J-10C، یک هواپیمای نسل ۴.۵ ساخت گروه صنعت هوانوردی چنگدو، باورهای ریشه‌دار در ستادهای فرماندهی غربی را دچار تزلزل کرده است.

ادامه در صفحه ۴

خانواده محترم مجیری و جندقی

درگذشت مرحوم محسن مجیری را خدمت شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض میکنم، آرزوی صبر و بردباری شما عزیزان را از ایزدمنان خواستارم.

غلامحسین جلالیفرد